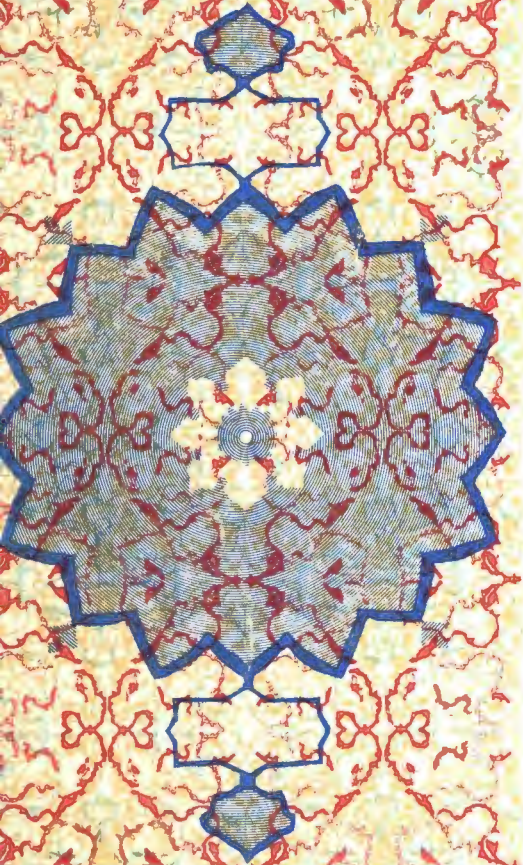


فصلیہ جملہ پر مشتمل کتاب، ۱۹۰۴ء سال دسمبر

تداوم فرهنگ و هنر هخامنشی

در زمان ساسانیان



از

فرخ ملک‌زاده

(دکتر در باستانشناسی)

فرخ ملكزاده

دکتر در باستانشناسی
دانشیار دانشگاه تهران

تداوم فرهنگ و هنر هخامنشی

در زمان ساسانیان

اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران در هزاره اول پیش از میلاد از هر نظر دارای کمال اهمیت است. بر اثر تشکیل شاهنشاهی ماد در این هزاره تاحدودی وضعیت هرج و مرج داخلی ایران از بین رفت و تمام ایالات کشور، متحد و متشکل گردید. البته بوجود آمدن دولت ماد ناگهانی و اتفاقی نبود، بلکه گذشت زمان و سیر تحول و تکامل اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران و نیاز به يك قدرت بزرگ متشکل از کلیه ایالات در مقابل حملات بیگانگان آنرا بوجود آورد.^۱ تشکیل دولت ماد در ایران و همکاری مستمر آنان با اورارتوها^۲

۱- درباره تاریخ ماد و تحولات اجتماعی ایران در هزاره اول پیش از میلاد نگاه کنید به دیاکونف، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران ۱۳۴۶.

۲- درباره اورارتوها نگاه کنید به B. B. Piotrovskii, Urartu. London - 1967 و B. B. Piotrovskii, The History and Civilization of Urartu - Yerevan - 1944. و پیوتروفسکی، تاریخ اورارتو، ترجمه عنایت‌اله رضا، تهران ۱۳۴۹ و دکتر محمد جواد مشکور، تاریخ اورارتو و سنگنبشته‌های اورارتو در آذربایجان، تهران ۱۳۴۶.

درمقابل بزرگترین دشمن و قدرت آن زمان یعنی آشوریها^۳ باعث دگرگونی و تغییرات اساسی در اوضاع اجتماعی و سیاسی جهان باستان گردید تا جائی که مادها موفق شدند با کوشش و تدبیر و زحمت بسیار بزرگترین امپراطوری تاریخ جهان باستان تا آن زمان یعنی حکومت آشور را از صحنه سیاست و تاریخ جهان محو سازند.^۴ فتح نینوا بوسیله مادها در ۶۱۲ پیش از میلاد بزرگترین واقعه تاریخی جهان باستان است. ایران با چنین موقعیت و تجربه‌هایی می‌بایست سیر تکامل و پیشرفت را بپیماید و این رسالت تاریخی بر عهده هخامنشیان قرار گرفت.

پس از مادها هخامنشیان با استفاده از تجربیات گذشته و ابتکار و تدبیر عملاً پایه‌گذار بزرگترین شاهنشاهی جهان باستان شدند. جهانی پر از آشوب و کشمکش و دنیایی پر از جنگ و ستیز به دست این پاك اندیشان فتح و آباد گردید. اداره شهرها و کشورها از هند تا یونان با مردمی بسیار از نژاد، زبان و مذاهب متفاوت^۵ کاری بس دشوار و غیرممکن مینمود. ولی هخامنشیان با کوشش و

۳- درباره آشوریها نگاه کنید به: A. Parrot, Assur. Paris - 1963

و دکتر احمد بهمنش، تاریخ ملل قدیم آسیای غربی، تهران ۱۳۳۳ صفحات ۲۷۶-۱۱۶ و فرخ ملک‌زاده، فرهنگ ماد، هنر و مردم، شماره ۷۶ بهمن ۱۳۴۷ صفحه ۹.

۴- مقاله فرهنگ ماد صفحه ۸ و بخش «سقوط نینوا و پایان امپراطوری آشور» تاریخ ماد صفحات ۳۸۹-۳۷۶ و حسن پیرنیا، تاریخ ایران باستان، جلد اول تهران ۱۳۳۲ صفحات ۱۹۱-۱۸۵.

۵- شارپ، فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی. شیراز ۱۳۴۶ و فرخ ملک‌زاده، «نقش ساتراپیهای تابعه در شاهنشاهی هخامنشی، بررسیهای تاریخی، شماره ۶ سال هفتم، تهران ۱۳۵۱ صفحات ۲۸-۱۵ و حسن پیرنیا جلد اول صفحات ۶۹۸-۶۹۱.

تدبیر موفق شدند ضمن حکومت بر آنان تا حدودی رضایت مردم ایالات را جلب نمایند. به زبان دیگر روش سیاست کلی هخامنشیان تا حدودی مقبول اقوام تابعه قرار گرفت و بیشتر مردم آنرا تأیید کردند.

تاریخ ایران در زمان هخامنشیان دارای بخشها و فصول مختلفی است که هر یک از آنها جداگانه باید مورد بررسی و پژوهش دقیق قرار گیرد. زیرا پس از گذشت سالها و قرن‌ها باز اثرات هنر و سیاست و برخی از امور دیگر هخامنشیان در ایران و خارج دیده میشود.^۶

حمله اسکندر به ایران و پایان دادن به شاهنشاهی هخامنشی^۷ تنها یک واقعه تاریخی و یک شکست نظامی تاریخ کشورما است، ولی آیا با این شکست کلیه آداب و رسوم و سنتهای کشور ما نیز محو و نابود گردید؟ مسلماً نه بشهادت تاریخ هیچ شکست و غلبه‌ای نتوانسته است آداب و رسوم و سنتهای باستانی ملت ایران را محو و نابود سازد و مردم را وادار به فراموشی آنها کند. بدین ترتیب

۶- رمان گیرشمن «میراث هنر هخامنشی»، هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، ترجمه دکتر عیسی بهنام، تهران ۱۳۴۷ صفحات ۳۷۰-۳۴۵ و فرخ ملک‌زاده «تأثیر هنر هخامنشی در کاپیسا» باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره ۲ تهران ۱۳۵۰ صفحات ۴۱-۲۴ و مقاله دیگر نگارنده «یگانه آتشدان بجا مانده از دوران ماد هخامنشی در کاپادوکیه»، مجله بررسیهای تاریخی، شماره ۱ سال ۶ تهران ۱۳۵۱ صفحات ۳۲-۳ و معبد آمون در مصر، مجله بررسیهای تاریخی، شماره ۳ و ۴ سال سوم تهران ۱۳۴۷ صفحات ۵۴-۴۱.

۷- اومستد، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه دکتر محمد مقدم تهران ۱۳۴۵ صفحات ۶۹۸-۶۶۱ و ۱۴۴۵-۱۳۹۵ جلد ۲ کتاب تاریخ ایران باستان و گیرشمن، تاریخ ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه دکتر محمد معین، تهران ۱۳۳۸ صفحات ۳۷-۵۲.

حکومت کوتاه سلوکیان نیز نتوانست راه کمال و دوام بپیماید و بالاجبار جای خود را به اشکانیان یا پارتیان سپرد. اشکانیان نیز در احیای افتخارات گذشته و جبران شکست‌های اجتماعی و نظامی با توجه به موقعیت زمان و مکان تلاش‌هایی نمودند که دارای اهمیت بسیار است. ^۸ ولی ساسانیان ^۹ بیش از آنها در احیای افتخارات گذشته تلاش نموده ^{۱۰} و در اندیشه تشکیل يك حکومت جهانی و بزرگ بودند و بالاخره توانستند با تلاش و کوشش و سنت‌گرائی، کشوری را که در زمان اشکانیان تجزیه شده بود دوباره متحد ساخته و بار دیگر عظمت گذشته ایران رازنده سازند. روزگار ساسانیان دوران پهلوانی، نیرومندی، دلاوری و بلند همتی بود. شاهنشاهان ساسانی در بیشتر نسلها، هوشیارانه و منظم به چنان مرتبتهای دست یافتند که در نیرومندی و پهناوری همانند شاهنشاهی کورش بزرگ و داریوش بزرگ بود. نیرومندی و شخصیت آنان در معماری و هنر انعکاس یافته است که همه با شیوه قهرمانی در مقیاس بزرگ، با شکلهای نیرومند، ابتکاری و مثبت و غالباً دارای رنگهای فاخر، فاصله پنج قرن ونیم پس از ویرانی تخت-

۸- درباره اشکانیان نگاه کنید به م. م. دیاکونوف، اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز، تهران ۱۳۴۴ و رمان گیرشمن، هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی، ترجمه دکتر بهرام فره‌وشی، تهران ۱۳۵۱ صفحات ۸۹-۲۱ و محمد جواد مشکور، پارتیها یا پهلویان قدیم، تهران ۱۳۵۰، صفحات ۱۰۶-۱۰۹.

۹- دکتر ناصرالدین شاه حسینی، تمدن و فرهنگ ایران از آغاز تا دوره پهلوی، تهران ۱۳۵۳ صفحات ۹۲-۷۰.

۱۰- سعید نفیسی، تاریخ تمدن ساسانی، تهران ۱۳۳۱ صفحات ۷۹ و ۲۹۶ و هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی صفحات ۲۵۲-۱۱۹ و تاریخ ایران از آغاز تا اسلام، صفحات ۶۴-۴۵.

جمشید را که انحرافی در شیوه و سقوطی در سنت طرحهای ایرانی بوجود آورده بود از بین برد.^{۱۱} از آنجا که مطالعه تاریخ و اوضاع اجتماعی ایران در زمان ساسانیان باید از دید و جهات گوناگون مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد، در این مقاله درباره سنت‌گرایی ساسانیان در هنر و اداره کشور و نفوذ هنر ساسانی در جهان و وجوه مشترک بین ساسانیان و هخامنشیان بحث میشود.

ساسانیان که خود را وارث هخامنشیان می‌دانستند^{۱۲} در اداره کشور روش ویژه‌ای داشتند که بیشتر براساس توجه به گذشته و تقلید از اصول شاهنشاهی هخامنشی و اشکانی بود^{۱۳} در واقع دولت جدید ساسانی در عین آنکه اصول شاهنشاهی اشکانیان را پذیرفت معنی و شکل تازه‌ای بدان بخشید و بجای گروه درهم‌آمیخته‌ای که از ملت‌های گوناگون بوجود آمده بود دولت مرکزی مقتدری شبیه به امپراطوری روم شرقی (بیزانس) تاسیس کرد.^{۱۴}

باستناد کتیبه‌ها و نوشته‌های شاهنشاهان هخامنشی در بیستون، تخت جمشید، نقش رستم و شوش و غیره^{۱۵} و همچنین باستناد نوشته‌های تاریخ‌نویسان معتبر یونانی، هخامنشیان برکشورهای

۱۱- آرتور - آپهام پوپ، معماری ایرانی، ترجمه از مؤسسه خوارزمی، تهران ۱۳۴۹ صفحات ۵۴-۵۵.

۱۲- ایران از آغاز تا اسلام، تألیف پروفیسور گیرشمن ترجمه شادروان دکتر محمد معین صفحه ۲۰۹.

۱۳- ج - ه - ایلیف، «ایرانیان و دنیای قدیم، میراث ایران، تهران ۱۳۴۶ صفحه ۵۲ و تمدن ساسانی، صفحات ۳۰۲-۲۹۶. عباس مهرین، کشورداری و جامعه ایران در زمان ساسانیان، تهران ۱۳۴۹.

۱۴- ج - ه - ایلیف «ایرانیان و دنیای قدیم» صفحه ۵۳.

۱۵- Ralph Norman Sharp - ر - شارپ، فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی، شیراز ۱۳۴۶.

بسیاری حاکم بوده‌اند که نام و مشخصات آنها در این منابع ذکر شده است. ۱۶. ساسانیان را نیز باید دولت متحد یا کنفدراسیونی متشکل از کشورهای مختلف دانست. ایران یا ارانشهر (سرزمین قدیم و همیشگی نژاد ایرانی) و انیران (شامل نواحی وسیعی که ساسانیان فتح کردند) که هر ناحیه با نژاد، زبان و کیش خاص خود حکمران مستقلی داشته است ۱۷ و اکثر آنان در اداره ناحیه خود مستقل و مختار بوده ولی مکلف به پرداخت مالیات سالیانه به دربار ایران بوده اند ۱۸ و بجز مالیات نقدی و جنسی در مواقع جنگ نیز با اعزام قشون، سپاه ساسانیان را تقویت میکرده‌اند. ۱۹ این اصول عیناً در زمان هخامنشیان ۲۰ و سپس در دوره اشکانیان رواج داشته و عمل شده بود و ساسانیان این شیوه را از آنان اقتباس کردند.

ارتش ایران در زمان ساسانیان بنا به گفته آمین مارسلن و نوشته‌های پروکوپ ۲۱ ارتش توانایی بوده که پاسدار مملکت و کوبنده تجاوزات بیگانگان بوده است. نیروی ضربتی این ارتش را سواره نظامی تشکیل میداده است که شماره آنرا عده‌ای ده هزار

۱۶- تاریخ هرودوت، کتاب ۳، بند ۹۸-۸۹ و سترابون کتاب ۱۱ فصل ۱۳ بند ۸ و کتاب ۱۵ فصل ۳، بند ۲۱.

۱۷- تاریخ تمدن ساسانی، تألیف سعید نفیسی. تهران ۱۳۳۱. صفحه ۲

۱۸- I. M. Diakonov م، دیاکونف، تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، تهران ۱۳۴۶، صفحات ۴۲۷-۴۱۹.

۱۹- تاریخ تمدن ساسانی، صفحات ۲۹۹-۲۹۶.

۲۰- ایران باستان، جلد دوم صفحات ۱۴۸۴-۱۴۸۰.

۲۱- Ammien Marcellin

مرد آزموده ذکر کرده اند . ۲۲

میدانیم که در زمان هخامنشیان در حمله کورش به سارد (پایتخت لیدی) ارتش ایران دارای سواره نظام مهمی نبود . ولی پس از این نبرد و کسب پیروزی ، شاهنشاه ایران دستور تقویت سواره نظام ارتش هخامنشی را صادر نمود و از آن پس در جنگهای بعدی سواره نظام نقش عمده ای را ایفا کرد .

درواقع سپاه ساسانیان همان شکل و اصول کلی سپاه هخامنشیان را دارا بوده و در جنگها عمل میکرد زیرا در هر دوره ارتش آنان متشکل از نیروی نظامی ایرانیان و اقوام تابعه بوده است و ذکر «ده هزار نفر» با توجه به اطلاعاتی که از گزنفون و دیگران داریم ما را بیشتر به این اصل معتقد میسازد که ارکان ارتش ساسانیان اقتباسی از ارتش هخامنشیان بوده است با سلاحهای جدید ویژه ساسانیان، مانند: منجنیق ، سنگ انداز، خشت انداز، تفت انداز، تیرتخش، (آلتی مانند مسلسلهای امروزی که مقدار زیادی تیر با هم می انداخته است) ، قلعه کوب ، کمان گروچه ها (کمانهایی که با آنها گلوله سنگ و سرب و گل می انداختند) و ارابه های جنگی . ۲۳

نوشته های فنی و نظامی دوره ساسانی بسیار غنی بوده است و رساله هایی در باب تشکیلات قشون در زمان صلح و زمان جنگ وجود داشته

۲۲- آرتور کریستن سن ، ایران در زمان ساسانیان ، ترجمه رشید یاسمی تهران ۱۳۳۴ ، صفحات ۱۷۲-۱۱۷ ، تاریخ تمدن ساسانی ، صفحات ۲۶-۱۸ .
 آرتور کریستن سن ، وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان ، ترجمه مجتبی مینوی ، تهران ۱۳۱۴ صفحات ۸۷-۸۰ .
 ۲۳- تاریخ تمدن ساسانی ، صفحه ۲۴ .

است که شامل دستورهایی در باب استفاده از سواره نظام و مراقبت^{۲۴} اسبان، تعلیماتی راجع به تیراندازی با کمان و تغذیه سپاهیان و فصلهایی در فن حرب، وضع رفتار با دشمن، انتخاب محل و روز جنگ و قواعد رزم آرایبی شامل: صف آرائی، پذیرش نبرد، کمین نشینی، شبیخون، سنگربندی و غیره بوده است.^{۲۵}

در مورد اصول کشورداری و وصول مالیات نیز تشابهات فراوانی بین ساسانیان و هخامنشیان دیده میشود. روش و شیوه مذکور تا آن اندازه دقیق و صحیح بود که خلفای عباسی نیز وقتی به خلافت رسیدند همان کشور داری ساسانیان را برقرار کردند^{۲۶} و اختیاراتی که ایشان به وزرای خود می دادند مانند همان اختیار هزار پت ها و وزرک فرماندارهای زمان ساسانیان بود. یعنی اینان با اختیار تام کارهای مربوطه را انجام داده و در مواقع لزوم با خلیفه مشورت میکرده اند.^{۲۷}

تقلید و پیروی از نحوه سیاست کشور داری ساسانیان توسط خلفای عباسی تا آن اندازه است که عده زیادی از دانشمندان برای

۲۴- ایران از آغاز تا اسلام، صفحه ۳۰۹.

۲۵- کنستانتین اینوسترانتسف، تحقیقاتی درباره ساسانیان، ترجمه کاظم کاظمزاده، تهران ۱۳۵۱ صفحات ۸۸-۴۸ و ایران از آغاز تا اسلام، صفحه ۳۰۹.

۲۶- ج - هوگ، هنر معماری در سرزمینهای اسلامی، ترجمه پرویز ورجاوند، تهران ۱۳۴۸ صفحه ۱۶ و تاریخ تمدن ساسانی، صفحه ۳۰، وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان، صفحات ۸۴-۹۴.

۲۷- هزار پت Hazarapet بمعنی صدراعظم یا فرمانده هزار تن از پاسبانان شاه بود که حتی یونانیان و سپس ارمنیها این لقب را به بعضی از سرداران خود داده اند - وزرک فرماندار Framadar بمعنی نخست وزیر است. درباره تشکیلات اداری و اجتماعی ساسانیان نگاه کنید به تاریخ تمدن ایران، صفحات ۲۰۳ - ۱۹۹

اطلاع بیشتر از نحوه اداره مملکت در زمان ساسانیان وضعیت کشور - داری خلفای عباسی را مطالعه کرده و از آن برای ساسانیان استفاده و نتیجه گیری می نمایند . گیرشمن^{۲۸} در این مورد پا را فراتر نهاده و میگوید « همه این دستگاه اداری پس از حمله اعراب دست ناخورده ماند و آثار و بقایای آن حتی در ایام مانیز مشاهده میشود».^{۲۹} بهر صورت با بررسی و پژوهشهایی که بعمل آمده است معلوم گردید که در سال ۷۵۰ میلادی با انتقال پایتخت از دمشق به بغداد (در زمان حکومت عباسیان) برتری فرهنگی و تمدن ایران دوباره محرز گشته و مورد استفاده قرار گرفته است.^{۳۰}

تمرکز قوا و داشتن اختیار مطلق دولت در زمان ساسانیان باعث پیشرفت کارهای دولتی شد و برخلاف زمان اشکانیان هیچگونه هرج و مرج و شورش در داخل کشور بوجود نیامد. زیرا در دوره ساسانیان از تعداد سلسله های محلی به طور محسوسی کاسته گردید و یا تقریباً از بین رفت.^{۳۱} البته این طرز کشورداری را ساسانیان از پیشینیان اقتباس کرده و بکار بردند که قبلاً در بین النهرین آشوریان و در ایران هخامنشیان کشور را با این روش اداره میکردند .

اصول کسب اطلاع از کارها و فعالیتهای امیران و حاکمان محلی و وضع زندگی و اندیشه مردم نقاط مختلف کشور و حتی خارج، در زمان هخامنشیان بطرز جدیدی ترتیب یافت و ساسانیان نیز همان روش را دنبال کرده و در این کار یعنی کسب و جمع آوری اطلاعات بهتر از پیشینیان موفق شدند زیرا در زمان ساسانیان در مدت چند قرن هیچگاه حاکم ایالتی بر علیه حکومت مرکزی اقدام به شورش و طغیان ننمود .

۲۸ - R. Ghirshman

- ۲۹- ایران از آغاز تا اسلام ، صفحه ۳۰۹ .
- ۳۰- تاریخ تمدن ساسانی ، صفحه ۲ .
- ۳۱- ایران از آغاز تا اسلام ، صفحه ۳۰۹ .

در زمان ساسانیان آزادی و استقلال فردی و اجتماعی اهمیت ویژه‌ای داشت و مردم نواحی مختلف در انتخاب دین، زبان و عقاید فکری تا آنجا که بر علیه حکومت مرکزی نباشد آزاد بودند. با وجود آنکه اساساً دولت ساسانی یک دولت روحانی بود و موبدان در دربار ساسانی نفوذ بسیار داشتند و مهمترین رکن اساسی دولت وقت بشمار میرفتند به مردم آزادی دین و عقیده داده شده بود، چنانکه در ایالات شمال شرقی ایران مجاور هندوستان دین بودائی رواج داشت و بتخانه‌های بزرگ مانند نوبهار و بلخ و بتکده معروف بامیان و دوبت بسیار معروف «خنک‌بت» و «سرخ‌بت» در بامیان وجود داشت که در نتیجه تأثیر و اختلاط تمدن ایرانی و تمدن بودایی در این ناحیه تمدن ویژه‌ای بوجود آمد که بنام تمدن باختری و بودایی و یایونانی و بودایی معروف گشت.

از کاوشهائی که پروفیسور سرگئی تالستوف در خوارزم و پروفیسور الکساندر کوبوفسکی^{۳۲} (باستانشناسان شوروی) در سرزمین سغد انجام دادند معلوم شد که در این نواحی دین زردشتی شکل ویژه‌ای داشته و باکیش زردشتی در بار ساسانی و حتی سایر نواحی ایران متفاوت است. همچنین وجود فرقه‌های مختلف دین زردشتی مانند: مزدیسنی با بهدین (دین رسمی و دولتی) و زروانیان و کیومرثیان^{۳۳} خود دلیل روشنی است بر آزادی عقیده و مذهب در زمان ساسانیان.

۳۲- باستانشناسان شوروی که در خوارزم و سغد بررسی و حفاری‌هایی انجام دادند.

۳۳- زروانیان معتقد بودند که اهورا مزدا و اهریمن از موجود دیگری پدید آمده‌اند که قبل از آنها بوده و بر آنها برتری داشته است و آن زروان، یعنی زمان لایتناهی است و این مطلب را از جمله «زروان اکه‌رنو» که در اوستا است و بمعنی «زمان بیکران» است گرفته‌اند - کیومرثیان نیز معتقد بوده‌اند که اهریمن از شک اهورمزدا پدید آمده است و در این صورت وجود مستقلی نیست. تاریخ تمدن ساسانی، صفحه ۵۸.

البته یکی از خصوصیات روش دولت ساسانی بوجود آوردن يك مذهب رسمی و تمرکز امور است^{۳۴} ولی بجز فرقه‌های دین زردشتی دینهای دیگری مانند: دین مانی، دین بهافرید و مذهب نصاری، مذهب بودایی و یهود و غیره (با توجه به آثار و مدارک فراوانی که از آنها در دست است) در زمان ساسانیان وجود داشته است.^{۳۵} که این موضوع میتواند مبین آزادی فکر و بیان و انتخاب روش و روشهایی در امور عقلانی و مذهبی مردم آن زمان باشد.^{۳۶} که در این مورد نیز ساسانیان راه هخامنشیان را پیموده و روش نیاکان خود را دنبال و تأیید نمودند زیرا یکی از اصول سیاست هخامنشیان آزادی مذهب برای مردم کشور و اقوام تابعه بوده است که عملاً با این روش، بزرگ منشی و احترام کامل آنان نسبت به اقوام تابعه و مغلوب معلوم میگردد. نتیجه چنین سیاستی را که بر مبنای حفظ و احترام کامل به کیش، زبان، خط، آداب و رسوم اقوام مختلف استوار بوده است میتوان در پیشرفت و موقعیت جهانی هخامنشیان جستجو نمود. تا و مار کردن مردم و بی احترامی نسبت به مذاهب و آداب و رسوم اقوام تابعه و یافشار و تحمیل کیش خود بر زیردستان و مغلوبین هیچگاه بسنده بزرگان نیک نفسی چون هخامنشیان نبوده است. آنان خود را

۳۴- هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی، صفحه ۱۲۱، هانری ماسه، «وضع مذهب در زمان ساسانیان» تمدن ایرانی، ترجمه دکتر عیسی بهنام، تهران ۱۳۳۷ صفحات ۱۸۳ - ۱۷۱.

۳۵- درباره مذاهب ایران در زمان ساسانیان و فرق مختلف دین زردشت نگاه کنید به صفحات ۵۸-۴۷ و ۷۴-۵۷ کتاب تاریخ تمدن ساسانی و صفحات ۲۸۱-۲۱۹ کتاب تمدن ساسانی تألیف علی سامی، شیراز ۱۳۴۲، تاریخ تمدن ایران، ترجمه جواد محبی، تهران ۱۳۳۶ صفحات ۱۹۴، ۱۸۷.

۳۶- همان اثر صفحه ۲۶، وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان، صفحات ۱۱۴-۹۴ و تاریخ تمدن ساسانی، صفحه ۲۶.

حامی و نجات بخش اقوام تابعه دانسته و همواره آنان را در ادامه زندگی خاص خود و حفظ آداب و رسوم نیاکان یاری و کمک نموده‌اند. بدین سبب آئین زردشت که اشکانیان به آن توجه کافی نداشتند مذهب رسمی زمان ساسانیان گردید و پرستش اهورامزدا از نو معمول و مرسوم گشت و چند خدای دیگر که در دوره‌های قبل فقط نام و اثری از آنها بود مانند میترا (مهر) و آناهیتا (ناهید) در جرگه خدایان مزدیسنی درآمدند^{۳۷} و فارس محققاً بمنزله نگهبان سنن دین ایرانی بوده است.^{۳۸}

البته ادیانی که در سرزمین ایران برخاستند در اروپا و افریقا با آنها مبارزه شد ولی این ادیان در آسیای مرکزی نفوذ بسیار کردند و موضوع «پایداری مزدیسنی در برابر اسلام» نیز بخشی از کتب برخی از دانشمندان شده است.^{۳۹}

در نقش رستم که یکی از مراکز مذهبی و محل تدفین شاهنشاهان هخامنشی است اردشیر بابکان مجدداً صحنه تاج‌گیری از اهورا را زنده کرده است و بدینوسیله خویشتن را تحت حمایت سلسله‌ای قرار میدهد که آنانرا نیای خود میدانسته است بنابراین مکانی که برای هخامنشیان مقدس بود دوباره بعنوان يك مکان مقدس دوره ساسانی مورد توجه قرار گرفت و معابد نیز تحت حمایت ایشان محفوظ میمانند.^{۴۰}

۳۷- ج - ه - ایلیف ، «ایرانیان و دنیای قدیم» میراث ایران ، تألیف سیزده تن از خاورشناسان - تهران ۱۳۴۶ صفحه ۵۴ .

۳۸- ایران از آغاز تا اسلام ، صفحه ۳۱۷ هانری ماسه «ایران ساسانی» ، تمدن ایرانی ، ترجمه دکتر عیسی بهنام ، تهران ۱۳۳۷ صفحه ۱۶۷ .

۳۹- «پایداری مزدیسنا در برابر اسلام» تاریخ تمدن ایران ، صفحات ۲۶۸-۲۸۱ .

۴۰- هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی ، صفحه ۱۳۳ .

در مورد زبان نیز باید گفت که آزادی زبان و خط برای گفتار و نوشتن در زمان هخامنشیان برای تمام اقوام تابعه وجود داشته است و هرکس به زبان خود تکلم و با خط خود کتابت مینمود .

هخامنشیان در این مورد تعصبی نداشته و بهیچ وجه نخواستند با تحکم و زور زبان و خط خود را بر آنان تحمیل کنند. بدین سبب کتیبه های بجا مانده از زمان هخامنشیان به يك خط نبود ، و غالباً به سه خط و زبان میباشد: فارسی باستان - ایلامی و بابلی ، البته از خط و زبان دیگری نیز به نام آرامی استفاده میشد که بیشتر برای مکاتبات رسمی با اقوام تابعه و بیگانه بوده است.

پادشاهان هخامنشی در کتیبه های تاریخی خود مانند: بیستون، نقش رستم، تخت جمشید، شوش، مصر و غیره بدون کمترین تعصبی گفتار و مطالب خود را بجز فارسی باستان به ایلامی و بابلی و حتی خط مصری تکرار کرده اند. در زمان ساسانیان نیز تقریباً همین وضع دیده میشود. یعنی ساسانیان نیز مانند هخامنشیان فشار و تحمیلی بر اقوام تابعه جهت پذیرش زبان و خط ایرانی وارد نمی ساختند و هرکس آزاد و مختار بود که به زبان مادری و اصلی خود تکلم کند زیرا باستاناد مدارک موجود معلوم گشته است که در زمان ساسانیان در نواحی مختلف ایران ، زبانهای محلی گوناگونی رواج داشته که به اقلیت و نژاد و قوم مردم هر ناحیه مربوط بوده است. در ایالات غربی ایران، در عراق و سوریه زبان آرامی و نبطی و سریانی و در مشرق و شمال ایران زبان دیگری، بجز زبان پهلوی در بار ساسانی رایج بوده و در مشرق ایران زبانهای متعددی مانند: خوارزمی، تخاری، سغدی، کوچانی، هروی و زبان ایران شرقی رایج بوده است. ۴۱

۴۱- آرتور کریستن سن ، ایران در زمان ساسانیان ، ترجمه رشید یاسمی ، تهران ۱۳۳۴ صفحات ۶۸-۶۱ و علی سامی ، تمدن ساسانی ، شیراز ۱۳۴۲ صفحه ۹۸-۹۲ .

ضمناً تاریخ نویسان معتبر دوره اسلامی مانند ابن‌الندیم در کتاب الفهرست (ار قول عبدالله بن المقفع) و حمزه اصفهانی در کتاب التنبیه علی حدوث التصحیف و ثعالبی در کتاب غرر اخبار ملوک الفرس و یاقوت حموی در معجم البلدان و مؤلف تاج العروس و بالاخره کتیبه‌های پادشاهان ساسانی همگی از وجود و رواج زبانهای متعدد آن زمان حکایت میکند.

درآمد ساسانیان عبارت بود از مالیات اراضی که آنرا خراگ می‌نامیدند (کلمه آرامی در کتاب تلمود - در زبان عربی خراج) و مالیات سالیانه سرانه معینی که آنرا گزیت یا سرکریت می‌گفتند (در عربی جزیه) و همچنین هدایائی که برحسب عادت در جشن نوروز و جشن مهرگان مردم به دولت می‌پرداختند و هر ناحیه مستقلی زاکوره یا استان می‌گفتند و هراستان به چند تسو (طسوج) تقسیم میشد. ۴۲ البته شماره استانها بسیار بود و مهمترین ناحیه مالیاتی ساسانیان سرزمین عراق بود که در نتیجه سد بندیها آباد گشته و قطعاً آبادترین سرزمین کشاورزی آنروز جهان به‌شمار میرفت. از این تقسیمات سرزمین عراق یا ایرانشهر به دوازده استان تقسیم میشد و مالیاتها بر دو نوع بود: نقدی و جنسی و معیار مالیات نقدی درهم طلا بود. بنا بر مدارك معتبر جمع عایدات ساسانیان در سال ۶۰۸ میلادی (سال هیجدهم سلطنت خسرو دوم پرویز) ۷۲۰۰۰۰ مثقال طلا معادل ششصد میلیون درهم بوده است. ۴۳ تقسیم‌بندی مذکور و شیوه وصول مالیات مانند دوره هخامنشی است و حتی هدیه جشن نوروز و مهرگان نیز یادآور

۴۲- تاریخ تمدن ساسانی، صفحات ۳۱-۳۰.

۴۳- آرتور کریستنسن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی تهران ۱۳۳۴ صفحات ۳۸۷-۴۶۲ و تاریخ تمدن ساسانی، صفحه ۳۲ و علی‌سامی تمدن ساسانی، جلد اول شیراز ۱۳۴۲ صفحات ۲۱۵-۲۰۸.

نقوش برجسته تخت جمشید و آورندگان هدایا است .
 سکه‌های شاهنشاهان ساسانی از طلا و نقره و مفرغ ساخته شده است و معمولا در دو روی سکه‌ها به خط و زبان پهلوی نام شاهنشاه ساسانی با القاب و عناوین معمول زمان نوشته میشود و در سجع سکه کلماتی با زبان آرامی (هوز وارش یا زوارش) بکار میبردند . ۴۴ در يك روی سکه های ساسانی همواره صورت شاهنشاه و در روی دیگر نقش آتشکده کوچکی دیده میشود .
 پس از انقراض ساسانیان باز سکه‌های ساسانی در قسمت عمده‌ای از آسیا و اروپا رواج داشته و حتی تازیان نیز سکه‌های ساسانی را از رواج نینداخته بلکه تا مدتی مانند آنها وحتی سجع و نقش آنها را تقلید کردند .

البته اشکانیان در آغاز، سکه‌های خود را از یونانیان تقلید کردند ولی به تدریج آنها را تغییر داده و بشکل کاملاً ایرانی درآوردند زیرا در سکه‌های اولیه آنها خطوط یونانی دیده میشود ولی در دوره‌های بعد کلمات یونانی غلط و مهجور نقش شده است و بالاخره یونانی بکلی منسوخ گشته و شرح سکه‌ها بزبان پهلوی است . ۴۵
 سکه‌های ساسانی گذشته از ارزش اقتصادی به علت دارا بودن نقش پادشاهان که هر يك دارای تاج و لباس ویژه‌ای است و همچنین به علت دارا بودن تاریخ زدن سکه در روی آن توانسته است خطاهای بسیاری از مورخین را در مورد آغاز، انجام و مدت پادشاهی هر يك از شاهان ساسانی را اصلاح کند . ۴۶

۴۴- تاریخ تمدن ساسانی ، صفحات ۳۲-۳۳ .

۴۵- میراث ایران ، صفحه ۴۸ - علی سامی ، تمدن ساسانی ، جلد اول شیراز ۱۳۴۲ صفحه ۲۰۸-۲۰۳ .

۴۶- درباره سکه‌های دوره ساسانی نگاه کنید به ملک‌زاده بیانی ، تاریخ سکه ، تهران ۱۳۳۹ و «تحقیق درباره صد و بیست و نه سکه ساسانی» مجله باستانشناسی ، شماره ۳ و ۴ تهران ۱۳۳۸ صفحات ۲۷-۳۶ و تاریخ تمدن ساسانی ، صفحات ۳۴۶-۳۲۹ .

نقش آتشکده و یا آتشدان در روی سکه‌های ساسانی به‌خوبی معرف اعتقاد و احترام این قوم نسبت به آتش مقدس یعنی کیش زردشت و پیشینیان بوده است .

احترام و تقدس نسبت به آتشی که پادشاهان هخامنشی در نقش-برجسته‌هایی مانند نقش رستم و بیستون در زیر حمایت اهورامزدا در مقابل آتش مقدس به احترام و نیایش ایستاده‌اند در روی سکه‌های ساسانی با اهمیت بیشتر تکرار میشود .

وجود آتشکده‌های بسیار در نقاط مختلف کشور مانند : آذر فرنیغ در کاریان فارس و آذرگشنسب در گنجک (آذربایجان) و برزین مهر یا آذر برزین در کوه ریوند در خراسان و آتشکده‌های دیگر در فیروزآباد - کازرون - نطنز - تخت سلیمان - مسجد سلیمان - تخت رستم (در ۵۰ کیلومتری تهران در شهریار) - اصفهان - چهارطاقی جره - فراشبند فارس - قم - نقش رستم - نورآباد (میان شاپورو فهلیان نزدیک نقش بهرام) برزو (۱۲ کیلومتری راهجرد در ناحیه اراک) - نیسر یا نیاسر (نزدیک کاشان) شوش - هرسین - کوه خواجه در سیستان و دهها آتشکده دیگر دلیل بارزی است از احترام و اعتقاد ساسانیان نسبت به کیش زردشت که بی‌شک این کیش مربوط به گذشته و به احتمال قوی مربوط به دوره هخامنشی و یا پیش از آن بوده است. ۴۷

۴۷- درباره آتشکده‌های دوره ساسانی در فارس نگاه کنید به محمد تقی-مصطفوی ، اقلیم فارس ، تهران ۱۳۴۶ صفحات ۱۵، ۳-۹۲، ۱۰۱، ۷-۱۰۶، ۱۱۱-۱۱۶، ۱۱۹-۱۲۰ و محمد جواد مشکور ، تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان ، تهران ۱۳۴۷ صفحات ۱۳۸ - ۱۳۱ و فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ، تهران ۱۳۴۵ . فرخ ملک‌زاده ، «آتشدانی از دوران ماد و هخامنشی در کا یادوکیه» مجله بررسیهای تاریخی ، شماره ۱ سال ۶۶ . تهران ۱۳۵۰ صفحه ۲۲ و تاریخ تمدن ساسانی ، صفحات ۱۲۸-۹۹ علی سامی ، تمدن ساسانی ، جلد اول شیراز ۱۳۴۲ صفحات ۲۲۶-۲۸۹ .

ساسانیان از نظر سیاست خارجی و روابط دیپلماسی با بیگانگان در حد موقعیت و احتیاج بخوبی عمل کردند و اطلاعاتی که در این زمینه در دست است این موضوع را تایید میکند که آنان با اکثر دول و قدرتمهای زمان خود مانند امپراطوری روم - تازیان مغرب عربستان (یعنی در همسایگی سوریه و فلسطین و سواحل دریای سیاه) و کوشانیان (در شمال آسیای مرکزی) و هفتال یا هپتال (هیطال و جمع آن هیاطله) و چین روابط زیادی برقرار نمودند^{۴۸} و حتی در سال ۵۱۹ میلادی سفیری از جانب پادشاه ایران به دربار چین رفته است^{۴۹} و گویا در سالهای ۵۶۱ و ۵۶۶ نیز در زمان پادشاهی فیروز سمرانی به چین اعزام شده بود که البته این رفت و آمدها احتیاج به راه یارانهایی داشت که تا ارتباط امور اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و غیره را تأمین نماید.

در مورد راهها و ارسال مکاتبات، ساسانیان چیز تازه‌ای ابداع نکرده و همان روش هخامنشیان را دنبال کردند، برید یا چاپاری که در زمان ساسانیان برقرار بوده همان تشکیلاتی بود که هخامنشیان بنیاد نهاده بودند.^{۵۰}

برید را با اسب حمل میکردند و مراسلات و اشخاص را نیز با آن می‌بردند و در هر منزل همواره اسبهای تازه نفس و اشخاص مسئول حاضر و آماده بود. در نواحی کوهستانی و صعب‌العبور چاپارهای پیاده و در ایالات سرحدی عربستان و بیابانهای گرمسیر

۴۸- درباره روابط ساسانیان با کشورهای بیگانه نگاه کنید به تاریخ تمدن ساسانی، صفحات ۱۶۲-۱۵۴.

۴۹- تاریخ تمدن ساسانی، صفحه ۱۵۸.

۵۰- درباره راهسازی دوره ساسانیان نگاه کنید به دکتر پرویز ورجاوند، «شاهکار راهسازی ساسانی - دیلمی در دره هراز» بررسیهای تاریخی، شماره ۲، ۱۳۵۴، صفحات ۶۰-۴۹ و تاریخ تمدن ساسانی، صفحه ۲۷.

باشتر رفت و آمد میشد^{۵۱} که خلفای بنی عباس نیز عیناً آنرا عمل کردند ولی بهر صورت نقش اساسی در این شیوه راهداری و ارتباط با اسب بوده است.

اسب را عده‌ای به آریائی‌ها نسبت میدهند و آنچه هم معلومست آریائی‌ها نسبت به اسب علاقه وافری داشتند و به سوارکاری اهمیت فراوان میدادند. در زمان هخامنشیان و سپس در دوره اشکانیان نیز اسب موقعیت ممتازی را دارا بوده و در تربیت و آموزش نوباوگان و جوانان، تیراندازی و شکار و سوارکاری اهمیت فوق‌العاده‌ای داشته است در این باره منابع یونانی هم موضوع را کاملاً تأیید نموده و اطلاعات مفیدی در اختیار ما قرار داده‌اند. بدین سبب در میان ایرانیان قدیم، اسامی که از اسب مشتق شده باشد مانند: لهراسب، گشتاسب، گرشاسب، ویشتاسب، هیستاسب، جاماسب، طهماسب، گشنسب و غیره وجود داشته است^{۵۲} و در دوران اسلامی نیز ایرانیان از اسب و سوار، کنیه‌های عربی ساخته‌اند مانند ابوالفوارس و ابوالاسوار که ویژه نجیب زادگان و شاهزادگان بوده است.

تصویر اسب در نقوش برجسته‌های هخامنشی و ساسانی فراوان دیده میشود مثلاً در برخی از صحنه‌های هنری ساسانی مانند نقوش برجسته فیروزآباد اسبان همان‌طور که در هنر هخامنشی دیده میشود بحالت چهارنعل نشان داده شده‌اند و عاری از رئالیسم هستند.^{۵۳}

۵۱- علی سامی، تمدن ساسانی، شیراز ۱۳۴۲ صفحات ۲۰۰-۱۹۹ و تاریخ تمدن ساسانی، صفحه ۲۸.

۵۲- تاریخ تمدن ساسانی، صفحه ۲۷۸.

۵۳- هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی، صفحه ۱۲۶.

درمورد شکار نیز میدانیم که معمولترین تفریحات هخامنشیان و ساسانیان شکار بوده است و از وجود پارادیسهای (فردوس) دوره هخامنشی مطلع میباشیم .

تئوفان^{۵۴} مورخ یونانی قرن هشتم میلادی نیز در این مورد میگوید : سربازان هراکلیوس (امپراتور روم) در باغهایی که پس از شکست خسرو دوم (خسرو پرویز) تصرف کردند شتر مرغ و غزال و گورخر و طاوس و تدر و (قرقاول) و حتی شیر و ببر یافتند . در نقوش برجسته بجا مانده از ساسانیان نیز شکار جزو صحنه‌هایی است که همواره دیده میشود^{۵۵} و نقشهایی که در پارچه‌های ساسانی دیده میشود بخوبی وسعت خیال و تصور هنرمندان ایران را نشان داده و در ضمن وسعت شاهنشاهی ساسانی را که دارای اقلیمهای گوناگون و آب و هوای مختلف بوده است نمودار میسازد. بدین سبب گذشته از جانوران افسانه‌ای مانند سیمرغ و عنقا (که سرآزدها و دم طاوس دارد) یا اسب و گاو بالدار، انواع جانوران دشتی مانند اسب، گراز، قوچ و همچنین نوعی مرغابی که نوار ویژه زمان ساسانی به گردنشان بسته شده است و بالاخره تعدادی حیوانات دریائی مانند ماهی، مرغابی و غاز دیده میشود .

درباره سودجویی ساسانیان از هنر پیشینیان و یا سنت‌گرایی هنری آنها باید قبلاً اساس هنرهای زمان ساسانیان را طبقه‌بندی کرد و جدا از هم مطالعه نمود که رئوس آنها عبارتست از: معماری، نقوش برجسته ، فلزکاری، نقاشی، گچ‌بری، بافندگی و بالاخره هنرهای تزئینی و غیره .

اساساً هنر و دست‌ساخته‌های انسانی با پرورش فکر و تجربه

۵۴ - Theophane مورخ رومی (۷۵۰-۸۱۷ م) .

۵۵ - تاریخ تمدن ساسانی ، صفحه ۱۶-۱۵ .

عملی مرتباً در حال تغییر یا تکامل بوده و نمیتواند ثابت باشد .
براین پایه معماری ایران و اصولاً هنر ایران در زمان ساسانیان
نسبت به گذشته تغییر یافته و بناها از مصالح کم دوام ساخته شد .
براین روال اکثر ابنیه دوره ساسانی به مرور زمان از بین رفته
و آنچه مانده است بقایا و قسمتهای مختلفی است از کل بناها .

در مورد هنر ساسانی گیرشمن معتقد است که «هنر ساسانی
معرف يك تجدد و احیای ناگهانی نیست این هنر در کهن ترین
مظاهر خود جانشین مستقیم هنر پارسی است که در اصل ایرانی
بوده است .^{۵۶} هنر ساسانی که آخرین جلوه هنر شرقی قدیم است
و قدمت آن به چهار هزار سال میرسد ، خود معجونی است از هنر
ایران که متجاوز از هزار سال بر آن گذشته و از تأثیر هنرهای
دیگر هم بهره مند بوده است و طبق سنن محلی به چنین هنرهایی
تغییر شکل می داد . این هنر بشرحی که اشاره شد تا حدی مقتبس
بود ، اما چون هنر شاهنشاهی جهانی شده بود به اطراف پرتوافکن
شد و خود مورد اقتباس گردید و در ممالک بسیار بعید جهان نفوذ
کرد .^{۵۷} ... و بالاخره ساسانیان با پیوستن به هنر هخامنشی به
سنتهای کهن آسیای غربی بیش از اسکندر استمرار می بخشند .^{۵۸}

هانری فوسیون^{۵۹} نیز میگوید «هنر ساسانی مانند يك نیروی
مشخص و عامل جدید دخالت نمیکرد، بلکه مانند مظهر کهن ترین و
پایدارترین تجربه های هنری جلوه گری میکرد... هنر ساسانی خود را

۵۶- هنر ایران در دوران پارسی و ساسانی ، صفحه ۱۲۱ .

۵۷- ایران از آغاز تا اسلام ، صفحه ۳۲۲ .

۵۸- هنر ایران در دوران پارسی و ساسانی ، صفحه ۱۳۳ .

۵۹- H. Focillon

به گذشته بزرگ هنر طبیعی گرای هخامنشی می پیوست. این هنر از شیوه یونانی هم اقتباس کرد ولی در ضمن ترجمان نیرومند قرینه سازی و شکل‌های ریاضی تزئینی بود، از اینرو در هنر ساسانی کوشش شده است وضع طبیعی با ابتکارات تزئینی هم آهنگ گردد و هنر کشورهایی مانند گرجستان و ارمنستان و داغستان برای قبول ترکیبات تجریدی هنر اسلامی مهیا می گشت. ۶۰

آثار و باقیمانده های طاق کسری (ایوان مداین) با ۸ تالار و قصر ماشیتا در مشرق بحرال میت - عمارت سروستان، بنای فیروز - آباد، ساختمانهای مهم شهر شاپور نزدیک کازرون، طاق گرا - قصر شیرین، خرابه های هوشخوری، دره صاین مره - قلعه سام - ایوان کرخه (کوت کرخه)، پل دزفول، پل شوشتر، پل فیروزآباد، پل دختر (لرستان) و آتشکده های بسیار که قبلا ذکر گردید و همچنین نقش برجسته های نقش رستم، طاق بستان، دارابگرد - فیروزآباد - سرمشهد - بیشاپور ۶۱ و غیره همگی ما را در شناخت معماری ساسانیان ۶۲ یاری میکند ولی گذشت زمان با توجه به موقعیت زمان و مکان و تغییرات کلی در حیات و اوضاع اجتماعی، ساسانیان را نیز

۶۰- هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی، صفحات ۲۹۹-۲۹۸.

۶۱- درباره آثار و ابنیه دوره ساسانی نگاه کنید به: نصرت الله مشکوتی، فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، تهران ۱۳۴۵ و هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی و تاریخ ایران از آغاز تا اسلام، و تاریخ تمدن ساسانی صفحات ۱۲۸-۷۹ و درباره قصرالمشتی و پلان آن نگاه کنید به: ارنست کونل، هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری. تهران ۱۳۴۷ صفحات ۱۷-۲۰. A. U. Pope, A. Survey Of Persian Art. London - 1938 - Vol. II

۶۲- درباره معماری ساسانیان نگاه کنید به: محمد تقی مصطفوی، نگاهی به هنر معماری ایران، تهران ۱۳۴۶.

و ادار ساخته بود تا در هنرهای گوناگون از شیوه های زمان خود پیروی کنند که این شیوه ها با گذشته بی ارتباط نبوده و در برخی موارد اقتباس و تشابهاتی هم دیده میشود. مانند اشکال مثلث متساوی - الاضلاع قصر ماشیتا (در مشرق بحرال میت) که اقتباسی است از عوامل هنری زمان هخامنشی در شوش و یا بالای طاق بزرگ طاق بستان کنگره ای است که عیناً از روی کنگره های تخت جمشید گرفته شده است و در این رهگذر در هنر ساسانی ره آوردهای تازه ای دیده میشود که برخی از آنها مانند گچبری و نقاشی روی دیوار کاری در گذشته و بویژه در زمان هخامنشیان معمول و مرسوم نبوده است. در حالیکه در تزئین بناهای ساسانی نقش عمده ای دارد.

لویی واندنبرگ^{۶۳} در باره ساسانیان و هنر آنان میگوید «ساسانیان از ایالت پارس بودند و عظمت ایران هخامنشی را مجدداً زنده کردند. آنها یک سلسله ملی تشکیل دادند. و خود را وارث دودمان هخامنشی میدانستند... و در عرض یک ربع قرن هنری ملی بوجود آوردند که مانند هنر هخامنشی هنر درباری بود و از حیث عظمت با هنر روم و بیزانس برابری میکرد و گاهی بر آن برتری داشت... هنر ساسانی ترکیبی است از هنر قدیم ایران با جریانهای مختلفی که از سمت شرق و غرب آنرا متأثر نموده بود... مثلاً در زمان ساسانیان از روی سنن قدیمی موضوعهای نقوش را در مجالس مختلف قرار میدادند... ضمناً قرینه سازی و تکرار موضوعها نیز معمول بود و اشخاص حالت رسمی و خشک داشتند و این همه از سنن قدیم شرقی است. از طرف دیگر ساسانیان مانند هخامنشیان در ساختمانهایشان گیلوئی مصری زیاد بکار برده اند مانند کاخ

فیروزآباد و کاخ شاپور در بیشاپور . در این کاخ مانند دوران هخامنشی سر ستونهایی را بشکل نیم تنه گاو در زیر حماله‌ها قرار داده اند . ۶۴

شادروان پرفسور پوپ^{۶۵} نیز به تداوم هنر هخامنشی در زمان ساسانیان معتقد بوده و میگوید : «برخی از ابتدائی‌ترین سبکها مانند ایوان ستون داریا تالارکه در مقبره‌های درون صخره‌ها در نزدیکی تخت جمشید نمایان گردیده است دوباره در معابد ساسانیان پدیدار میگردد و در اواخر دوران اسلامی بعنوان سرسرای کاخ یا رواق مسجد بکار برده میشود و حتی طرح آن در معماری چایخانه‌های سرراه مورد استفاده قرار میگیرد . به همین طریق گنبدی که بر روی چهاردهانه طاق قرار دارد و از ویژگیهای دوران ساسانیان به‌شمار میرود هنوز در بسیاری از گورستانها و همچنین در بنای امامزاده‌های کوچکی که در نقاط مختلف پراکنده است دیده میشود . » ۶۶

پرفسور ج- ه- ایلیف^{۶۷} نیز بابیانی دیگر مطالب دانشمندان فوق‌الذکر را تأیید کرده و میگوید : ساسانیان در زمینه معماری ایران موقعیت مرکزی مهمی دارند زیرا از شکل‌های یونانی اعراض

۶۴- لوئی واندنبرگ ، باستانشناسی ایران باستان ، ترجمه دکتر عیسی بهنام . تهران ۱۳۴۷ ، صفحه ۲۲۲ .

۶۵- Prof. A. U. Pope

۶۶- پوپ در کتاب ، معماری ایران ، صفحه ۱۰ این موضوع را از قول آندره گدار ذکر کرده است و مسجد الحاکم اسفالو ، زیارتگاههای قم و ری ، اربل و کاظمین را برای مثال آورده است :

A. Godard, L'Art de l'Iran-Paris 1962 P. 226 FF.

۶۷- ج- ه- ایلیف مدیر سابق موزه شهر لیورپول انگلستان .

کرده و به طرحهای ساختمانی هخامنشی بازگشتند، با این تفاوت که سبک هخامنشی ستونهای «تنه درختی» و نیز الوارهای بزرگ و سقف سبک بلند تخت جمشید، جای خود را به سقفهای گرد ضربی که معلول بکار بردن آجر پخته در معماری بود داد.

دالان یا ایوان مسقف قبل از در ورودی در معماری هخامنشی که امروز هم در خانه‌های ایرانی بصورت دهلیز یا ایوان ستون‌دار دیده میشود، در کاخهای ساسانی بصورت ایوان و شاه‌نشین جلو باز کاخهای طاق کسری و فیروزآباد درآمده و گنبدی بر پایه‌های سه‌گوشه آجری روی آنها پوشانده است. شاه‌نشین جلو باز و سقف‌دار طاق کسری، سبک این بنا را در نظر ما بعنوان یکی از طرحهای اصلی دوره ساسانی جلوه میدهد ولی این سبک اهمیت بیشتری دارد زیرا همین طرح پس از آنکه دو اطاق پوشیده در دو سویش اضافه شد ساده‌ترین نمونه خانه روستایی است و هنگامیکه این طرح اصلی دو یا چهار برابر شود و دور آن حیاط بازی بنا گردد خانه‌ها اعیانی تر و یا برای کاخهای سلطنتی مورد فایده واقع میگردد که در زمان اسلام بعنوان طرح اصلی مسجد - مدرسه و کاروانسرا از آن استفاده شده است. ۶۸

جالب آنکه در بعضی از نقاطیکه هخامنشیان در دامنه کوهها آثار، نقوش و نبشته‌هایی از خود بجا گذارده اند ساسانیان نیز در همان محل و در زیر نقوش برجسته هخامنشیان آثار خود را احداث کرده‌اند. گوئی آنها خواسته‌اند در زیر حمایت اهورامزدا

۶۸- ج - ه - ایلیف، «ایران و دنیای قدیم»، میراث ایران، تألیف سیزده تن از خاورشناسان، تهران ۱۳۴۶ صفحات ۶۱-۶۰ و هر تسفلد، تاریخ باستانشناسی ایران، صفحات ۹۷-۱۲۰.

بوده و احترام کامل خود را نسبت به مقدسات و پادشاهان هخامنشی ابراز دارند ، زیرا شاهنشاهان ساسانی عقیده داشتند که سلطنت آنان موهبتی است که اهورامزدا بایشان بخشیده است و خود را صاحب فره ایزدی میدانستند . ویلیام کالیکان^{۶۹} در مقدمه کتاب مادها و پارسیان می نویسد : «هیچیک از ویرانه های باستانی مشرق زمین باندازه کاخ وسیع و مجلل اعجاب انگیز تخت جمشید بر روح و فکر ابناء بشری تاثیری ننموده است» .^{۷۰} که مسلماً ساسانیان بیش از دیگران از آنها الهام گرفته اند .

کاوشها و بررسیها و پژوهشهای سالمهای اخیر بهتر و بیشتر گسترش هنر ساسانی را در اقصی نقاط جهان ثابت کرده است . نکته مهم آنکه در برخی از این اماکن ، هنر هخامنشی قبلاً تأثیر نموده بود و هنرمندان محلی در ابداع آثار خود از اصول و سبکهای هنر هخامنشی سود جسته بودند و سپس با ظهور و نفوذ هنر ساسانی در آن مناطق ، سبک محلی آنها تلفیقی با هنر ساسانی شده است که بی شک در آنها عناصر هنر هخامنشی را بیشتر میتوان جستجو کرد .

بهر صورت در هنرمعماری دوره ساسانی یکنوع عناصر قدیمی و کهن که مربوط به دوره هخامنشیان است بچشم میخورد که مولود سنن و آداب و رسوم محلی است .^{۷۱} مثلاً در یکی از ساختمانهای محل تاریخی قصر شیرین که خسرو پرویز بنا بر گفته مشهور برای شیرین

69— W. Culican

۷۰— ویلیام کالیکان ، مادی ها و پارسی ها ترجمه گودرز اسعد بختیار ،

تهران ۱۳۵۰ صفحه ۳-۱

۷۱— تاریخ ایران باستان ، ترجمه روحی ارباب تهران ۱۳۴۶ ، صفحه ۴۸۲.

همسرزیبای مسیحی خود ساخته بود روی سکوی مصنوعی پلکان مضاعفی شبیه به آنچه در تخت جمشید وجود داشت ساخته شده بود. از روی بزرگی بنا چنین بنظر میرسد که بابناهای یادبود هخامنشی همسری میکرده است. ۷۲ البته جزئیات معماری و بویژه تزئینات کاخهای هخامنشی در تخت جمشید بدون شك با قصد هوشیارانه‌ای از ایجاد احساس همبستگی میان دوسلسله به عاریت گرفته شده بود. در میان چنین جزئیاتی گچ بری قالبی مجوف دیده میشود که اصلاً از مصر اقتباس گردیده و در سردرها یا طاقچه‌های پارتی - ساسانی بکاررفته است. بنابراین اساساً هر چند ساسانیان شکل‌های مهم پارتی را توسعه دادند و بدان بهره‌های باارزشی از خود بخشیدند، در عین حال، نفوذ شکل‌های پارتی نخستین که بطور عمده با عظمت هخامنشی دیده میشود در دوران ساسانی رونق یافت. ۷۳

پیوستگی معماری ایرانی چنان محفوظ ماند که با وجود وقفه‌های متناوب و انحرافات موقتی که در نتیجه کمکش‌های داخلی یا تجاوزهای خارجی پدیدار شد شیوه‌ای بوجود آمد که به آسانی با هر شیوه دیگری اشتباه نمی‌شود. ۷۴

مختصات روح ایرانی همیشه در هنر ایران عامل اصلی و مهمی بوده که در پیش‌آمدهای مخالف بزحمت قابل تشخیص بوده است ولی بمحض فراهم آمدن موقع مساعد پیروزمندانانه تجلی کرده است. نبوغ ایرانی تقریباً در مدت سه ربع قرن از دوره ساسانی بطور وضوح چشمگیر و پیروز بوده است بعد از آن به علت نبودن زمینه

۷۲- باستانشناسی ایران باستان ، صفحه ۹۸ و هنر ایران ، تالیف آندره گدار صفحه ۲۲۴ .

۷۳- معماری ایرانی ، صفحه ۵۴ .

۷۴- معماری ایرانی ، صفحه ۱۰ .

مساعد برای مدتی پوشیده ماند. ۷۵ تا بطور بهتر و کاملتر تجلی کند. بنا بر تشبیهی که فوسیون ۷۶ کرده است، این موضوع درست همانند ناپدید شدن رودخانه‌ها است که ناگهان جریان آب آنها قطع میشود و در زمین فرو میرود بعد قدری دورتر دوباره آفتابی میشود. البته این جهش بی سابقه‌ای نیست، تاریخ هم برای خود جریانات زیر-زمینی دارد. ۷۷

در بناهای ایران مقیاس‌ها به طور اصولی درك میشد و بامپارت به کار میرفت هرچند که عده‌ای گفته‌اند «ایرانیان برخلاف یونانیان در مورد هماهنگی نسبت‌ها مطالعات کلی نداشتند»، ولی آنچه که از معماری ایران باستان بجا مانده است حتی آلاچیق‌ها، ازاصالت و شکوه بهره‌مند است.

بیشتر بناهای ایرانی در توصیف و بیان بسیار گویا و حتی فصیح است. از ترکیب عظمت و سادگی احساس آنی پدید می‌آید درحالی‌که تزئین بنا و نسبت‌های دقیق آن حس مشاهده را به دقت و آمی دارد. ۷۸

کاوشهای باستان‌شناسان فرانسوی به سرپرستی فوشه و گدار و هاگن ۷۹ در بامیان و سپس در کتلی معروف به «خیرخانه» ۱۲ کیلومتری شمال غربی کابل (در سال ۱۹۳۴) نفوذ هنر ساسانی را در صنایع یونانی و بودائی که مرکز آن بلخ و بامیان و زرافشان و پالمیر بوده است معلوم نمود. ۸۰ کاوشهای سرخ‌کتل در سال ۱۹۵۲ با کشف آثار

۷۵- گدار، هنر ایران، صفحات ۲۷۰-۲۶۹.

76— H. Focillon

77— H. Focillon, *Moyen Age. Surviances et Reveils*, P. 28.

۷۸- معماری ایرانی صفحه ۴۰.

79— Foucher - Godard - Hackin

۸۰- تاریخ تمدن ساسانی، صفحات ۸۶ و ۳۰۳-۲۹۶.

بعدی که متعلق به کوشان‌های بزرگ است وجود يك هنر خاندانی را که از ایران قدیم (هخامنشیان) و ایران جدید (پارتیان) و هنر یونانی متأخر است در باکتریان آشکار ساخته است.^{۸۱}

در آثار تمدن یونانی و بودایی آسیای مرکزی که از قرن سوم میلادی در آسیای مرکزی فراهم شده و در ترکمنستان، تاجیکستان، قزاقستان و ازبکستان شوروی نیز نمونه‌هایی از آن به دست آمده است نفوذ صنایع ساسانی دیده میشود.^{۸۲}

در پارچه‌های پشمی مکشوف از مغولستان و در آثار بیزانس (روم شرقی - در ترکیه امروزی) نیز نفوذ و تأثیر هنر ساسانی دیده میشود که به قول پرفسور ایلینف «بی شك حجاری‌های ایرانی (نقوش برجسته) از طریق ساسانیان در آثار بیزانس که پر از صحنه‌های دسته‌جمعی بویژه روی موزائیک است تأثیر داشته است».^{۸۳}

در نقاشی‌های دیواری و موزائیک‌ها (در «پالرم» جزیره سیسیل) و در سراسر صنایع گرجستان شوروی پیش از اسلام و بویژه در ساختمان‌های قرون ششم و هفتم میلادی در ارمنستان بویژه در ساختمان کلیساها (سبک معماری - ساختمان - جزها - سنگ تراشی - گچ بری - نقاشی دیواری) و اشیاء متبرک آن و حتی جلد سازی و تذهیب و نقاشی کتابهای دینی و همچنین در اشیاء مکشوف از خرابه‌های شهر معروف «آنی» (پایتخت قدیم ارمنستان)^{۸۴} هنر ساسانی تأثیر گذاشته است.^{۸۵}

۸۱- گیرشمن، هنر ایرانی در دوران پارتی و ساسانی، صفحات ۴ و ۳.

۸۲- تاریخ تمدن ساسانی، صفحه ۲۲۲.

۸۳- «ایرانیان و دنیای قدیم» صفحه ۳۳.

۸۴- تاریخ تمدن ساسانی، صفحه ۲۲۳.

۸۵- ایران از آغاز تا اسلام، صفحات ۳۴۳-۳۲۲.

در آثاری که در گنجینه معروف «ناگی سنت میکلوس» در مشرق مجارستان بدست آمده است بوضوح تأثیر هنر ساسانی دیده میشود و کاخهای اولیه بلغارستان در «آبوباپلیسکا» شبیه کاخهای ساسانی سروستان و فیروزآباد است. حجاری معروف بلغارستان در منطقه «مادابا» برآستی کاملا يك اثر ساسانی است.^{۸۶}

در شاهکارهای پرافتخار معماری بیزانس مانند مسجد ایاصوفیه،^{۸۷} کلیسای حواریون مقدس^{۸۸} و سنت سرژیوس^{۸۹} و سنت باکوس^{۹۰} که در استانبول (قسطنطنیه) به سرپرستی ژوستینیان ساخته شد از عناصر و عوامل ایرانی بهره‌مند بوده‌اند.

همچنین چکمه‌های نرم و بلندی که در موزائیک سن و تیا^{۹۱} در راونا^{۹۲} برپای ژوستینیان^{۹۳} است مخصوص ایران میباشد و تاج تئودور^{۹۴} بطوریکه بر روی سکه‌ها نقش شده مبتنی بر اساس ساسانی است و اصولاً تاجهای شخصیت‌های سلطنتی دوره‌های اولیه بیزانس (بویژه تاجی که تئودوزیوس^{۹۵} دوم در منولوژی^{۹۶} بازیل دوم بر سر دارد و تاج تخم مرغی‌شکلی که سلاطین بعدی مثل تئودور میستر^{۹۷}

۸۶- قالبوت رایس «ایران و امپراطوری روم شرقی» میراث ایران، صفحه ۷۹

87— St. Sophia

88— The Church of The Holy Apostles .

89— St. Sergius

90— St. Bacchus

91— St. Wital

92— Ravna

93— Justinien

94— Théodore

95— Theodosius II

96— Menologie

97— Theodore Mithra

(۱۴۰۱-۱۳۸۳ برسر دارد) از نوع ساسانی است.^{۹۸}
 پروفیسور د - تالبوت رایس^{۹۹} در نتیجه گیری یکی از مقالات خود می نویسد: از نظر تاریخ هنر، میراث ایران برای دنیای بیزانس دارای اهمیت فوق العاده است و حتی میتوان پرسید که اگر تأثیر نفوذ ایران در روزگار قدیم نبود آیا سبک معماری روم شرقی که آنطور پیشرفت و ترقی کرد هرگز صورت خارجی بنحود میگرفت یا نه؟^{۱۰۰}
 برخی از دانشمندان غربی مانند استرزیگوفسکی^{۱۰۱} درباره تأثیر هنر ساسانی در بیزانس پارا فراتر نهاده اند چنانکه دانشمند اخیر بدینگونه اظهار نظر میکند: «تمام اختصاصات اساسی ساختمانهای گنبدی و سقف دار و حتی ساختمانهای صلیب شکل که عصاره واقعی معماری بیزانس بشمار میرود از ایران سرچشمه گرفته و نخست در ایران توسعه یافته است.»^{۱۰۲} تالبوت رایس نیز معتقد است ایران در معماری بیزانس تأثیر حیاتی داشته است زیرا طاق بیضی شکل - به کار بردن قوسهای گچی برای زینت نمای عمارات - هلال سه گوش برای تبدیل عمارت چهارگوش به پایه مدور گنبد و شاید توسعه دادن طرح چهارگوش عمارت بوسیله افزودن دو گوشوار و تبدیل آن به صلیب یونانی همه قبل از آنکه در بیزانس توسعه یابد در ایران مورد توجه قرار گرفته بود.^{۱۰۳}

هنر رومی اساساً هنر یک امپراتوری نیرومند است. روش

۹۸- میراث ایران ، صفحه ۸۰-۷۹ و تصویر ۵

J. Ebersolt, Les Arts Somptuaires de Byzance

99- D. Talbot Rice

۱۰۰- تالبوت رایس ، «ایران و امپراطوری روم شرقی» صفحه ۹۳

101- Strzygowski

102- Strzygowski, Origin of Christian Church Art. Oxford. 1923, P. 77.

و میراث ایران ، صفحه ۶۹ .

۱۰۳- تالبوت رایس «ایران و امپراطوری روم شرقی» صفحه ۷۷ .

آمیخته آن که متکی به یک روح عملی و احساس عظمت است با اقتباس‌هایی که از کشورهای مفتوحه کرده است تعیین میشود. این هنرنگامی که به هنر ایران ساسانی برخورد میکند، رومیان با روشهای فنی تازه‌ای مواجه میشوند زیرا هنر ساسانی با بازگشت به سنتهای کهن بومی دوران مادی، هخامنشی و پارتی نیروی تازه‌ای یافته بود. ۱۰۴

با تاثیر هنر ساسانی در مشرق، در هندوستان سبک ویژه‌ای متداول گشت که آنرا «هندو ساسانی» نام نهاده‌اند. قلمرو و نفوذ این مکتب در داخل هندوستان بقدری وسیع و عمیق بود که در سال ۱۳۲۸ خورشیدی سکه‌های این دوره را در «نالیسار سامبهار» در ۶۰ میلی شهر جیپور یافته‌اند. نفوذ این هنر در معابد برهمنی هندوستان، صنایع مصر بویژه در پارچه‌های قبطی، اروپای غربی و اروپای مرکزی نیز مشاهده میشود، ۱۰۵ تاجائیکه عده‌ای معتقدند هنر «گوتیک» که از قرن ۱۲ تا ۱۶ میلادی در فرانسه باوج رسید زیر نفوذ هنر ساسانی بوده است و بالاخره تاثیر و نفوذ هنر ساسانی را باید در هنرهای بسیاری از اقوام و تمدنهای آن زمان جستجو نمود زیرا بانگاهی به هنر مصر در آن دوره بوضوح میتوان در صنایع قبطی بویژه در پارچه‌های قبطی نفوذ هنر ساسانی را مشاهده کرد. ۱۰۶

س - م - دیمانند ۱۰۷ در کتاب راهنمای صنایع اسلامی درباره تاثیر هنر ساسانی در ممالک اسلامی می‌نویسد: «اعراب در زمان

۱۰۴- هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی، صفحه ۲۸۴.

۱۰۵- تاریخ تمدن ساسانی، صفحه ۲۲۳.

۱۰۶- سعید نفیسی صفحات ۲۲۵-۲۲۴.

حضرت محمد (ص) صنایع و آثار هنری قابل ذکر نداشتند ولی پس از فتح سوریه ، عراق و مصر و ایران صنایع متداول این ممالک را اقتباس کردند... مسجد دمشق بوسیله يك معمار ایرانی طرح ریزی شد... و حتی ج- هوگ معتقد است اولین مدرسه در ایران بوجود آمد و بعد در سوریه و مصر و ترکیه گسترش یافت. ۱۰۸

طبری مورخ معروف مینویسد : در تأسیس بنای شهر بغداد عباسیان از سوریه و ایران و ... کارگر آوردند ... «بتدریج يك اسلوب اسلامی بوجود آمد که از دو منبع هنری یعنی ساسانی و مسیحیت شرقی یا بیزانطین سرچشمه گرفت. ۱۰۹

در بعضی موارد هنرمندان مسلمان تزئینات ساسانی را بدون هیچگونه تغییر و تبدیل اقتباس کردند و در موارد دیگر اشکال مجرد جدید بوجود آوردند که به تدریج از آن يك اسلوب مشخص اسلامی پدید آمد. از جمله تغییراتی که هنرمندان مسلمان از صنایع ساسانی اقتباس کردند شکل اشجار، برگ نخل است که غالباً پرکار و ترکیبی از تغییرات گوناگون و غیر متجانس است. ۱۱۰

ارنست کونل^{۱۱۱} نیز در صفحه ۴۱ کتاب هنر اسلامی میگوید: بطور کلی خلق آثار هنری در بین النهرین و ایران در چهارچوب سبک ساسانی انجام میگرفت ... و در تمام این طرحها ، ریشه های ساسانی آنها بخوبی میتوانیم تشخیص بدهیم .

۱۰۸- ج - هوگ ، هنرمعماری در سرزمینهای اسلامی ، ترجمه دکتر پرویز ورجاوند تهران ۱۳۴۸ صفحه ۴۶ .

۱۰۹- س - م - دیماند ، راهنمای صنایع اسلامی ، ترجمه عبدالله فریار ، تهران ۱۳۳۶ صفحه ۲۷ ، ارنست کونل ، هنر اسلامی ، صفحه ۲۴ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۴۳ ، ۹۱

۱۱۰- دیماند صفحه ۳۴ .

هنر اشکانیان از اختلاطی از سنن هخامنشی (که خود وارث سنن و هنر مشرق قدیم است) با يك سنت یونانی که از خارج آورده شده است بوجود می آید. سپس میراث پارتی با دخول در هنر ساسانی موجب ظهور رنسانس میگردد که دارای خصوصیات ملی است. در این رنسانس عناصر خارجی بصورت عناصر معین و کمک درمی آید و تحرك تمدن های شرق و غرب را بوجود می آورد. ۱۱۲

بدین سبب هنر ساسانی مبتنی بر عناصر کهن شرقی است. این هنر با هنر غربی هم عصر خود مخالف است و با آن شباهتی ندارد. هنر ساسانی هنری است ایرانی با جلوه های ویژه خود. این هنر در عهد رونق خویش موجب الهام معماران و طراحان رومی گردید. همچنین این هنر از سرحداتی شرقی شاهنشاهی گذشت و بخدمت دینی خارجی درآمد و مبانی هنر ایرانی - بودایی که در مدت قرنها از افغانستان تا چین را تحت الشعاع خود قرار داد پی افکند و بالاخره هند در «دوره طلائی» خود با دوستی و روابط فرهنگی و اقتصادی با ایران توانست به منابع غربی دست یافته و از علوم پزشکی، هندسه، منطق و نجوم استفاده کند. ۱۱۳

میتوان گفت که هنر ساسانی در ابتدای امر کاملاً وارث گذشته ایرانی است... هنر ایرانی درحالیکه هنر کاملاً ترکیبی است در بوته ملیت ایرانی میگدازد و روی آن مجدداً کار میشود و توسط يك برنامه سیاسی که هدف آن بازگرفتن و اعتبار و افتخارات گذشته هخامنشیان است دیگر بار بصورت يك هنر ملی درمی آید. ۱۱۴

۱۱۲- هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی، صفحات ۷-۶.

۱۱۳- ایران از آغاز تا اسلام، صفحات ۳۵۲-۳۵۱.

۱۱۴- گیرشمن پارت و ساسانی، صفحه ۱۳۴.

البته در ظاهر هنر ساسانی ممکن است هنری مجزا از هنر پیشین خود بنظر رسد ولی در اصل متشکل از عناصر کهن ایرانی و شرقی است. هنر ساسانی متعمداً با زنده گرداندن سنتهای هخامنشی از آنها سودجسته است. ۱۱۵

فرهنگ ساسانی از یکطرف وارث سنتهای فرهنگی ایران هخامنشی بود که در میهن و زادگاه ساسانیان در فارس پایدار مانده بود و از طرفی جانشین فرهنگ سلوکیان و پارتیان (متجلی به مظاهر تمدن یونان قدیم) بود. ۱۱۶

البته تمدن غنی و والایی که در دوره ساسانیان در کشور ایران بوجود آمد در پیشرفت تمدن و فرهنگ ملل آسیا و اروپای شرقی اهمیت زیادی داشت. ۱۱۷

درواقع پلی گسترده میشود و امپراطوری عرب که تنها دنیائی است که غرب با آن در ارتباط خواهد بود، در مدت چندین سده محصول چند هزارساله آفرینش هنری فلات ایران را از هند تا پیرنه رواج میدهد و باین ترتیب، ایران ساسانی با انتقال سنت های موروثی خود بدنیای اسلام و با میراث هنری خود تمدنهای نو را غنی میگرداند ۱۱۸ که این گسترش یا نفوذ شامل نقاط و اماکن مختلف امپراطوری روم (آسیای کوچک و ایتالیا)، بیزانس، مصر، غرب بربر (اروپا و سیبری)، شرق مسلمان، چین، ژاپن و هند و آسیای

۱۱۵- گیرشمن - پارت و ساسانی، صفحه ۲۴۷.

۱۱۶- م. م. دیاکونف، تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی از باب،

تهران ۱۳۴۶ صفحات ۴۷۵-۴۷۴.

۱۱۷- همان اثر، صفحه ۴۷۴.

۱۱۸- هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی، صفحه ۳۳۹.

مرکزی میگردد. ۱۱۹

سلسله کاملاً ایرانی ساسانیان بنیان‌گذار رستاخیز فرهنگی عظیمی بود که بردین و آداب ملی تکیه داشت. ۱۲۰ نیروی نهضت ملی با دلیری خاصی که حاصل ادراک و عظمت دیرین و ایمان باعتبار و برتری دین ایرانی بود سراسر دنیای غربی را زیر فرمان ایرانیان درآورد. ۱۲۱

سلاطین بزرگ ساسانی تصمیم گرفتند از روی اصول و سنن باستانی ایران را احیاء کنند البته بخشی از این سنن در زمان اشکانیان کمی فراموش شده بود و جای خود را به یونانی‌مآبی داده بود ساسانیان کوشش کردند بیش از هر چیز دوره خود را با گذشته هخامنشی پیوند ۱۲۲ دهند بدین سبب تمدن ساسانی ادامه، مکمل و در بعضی موارد زنده کننده تمدن هخامنشی است. ۱۲۳

۱۱۹- همان اثر ، صفحه ۳۴۱ - ۳۴۰ .

۱۲۰- از گفته‌های یوپ در صفحه ۹ کتاب تمدن ساسانی .

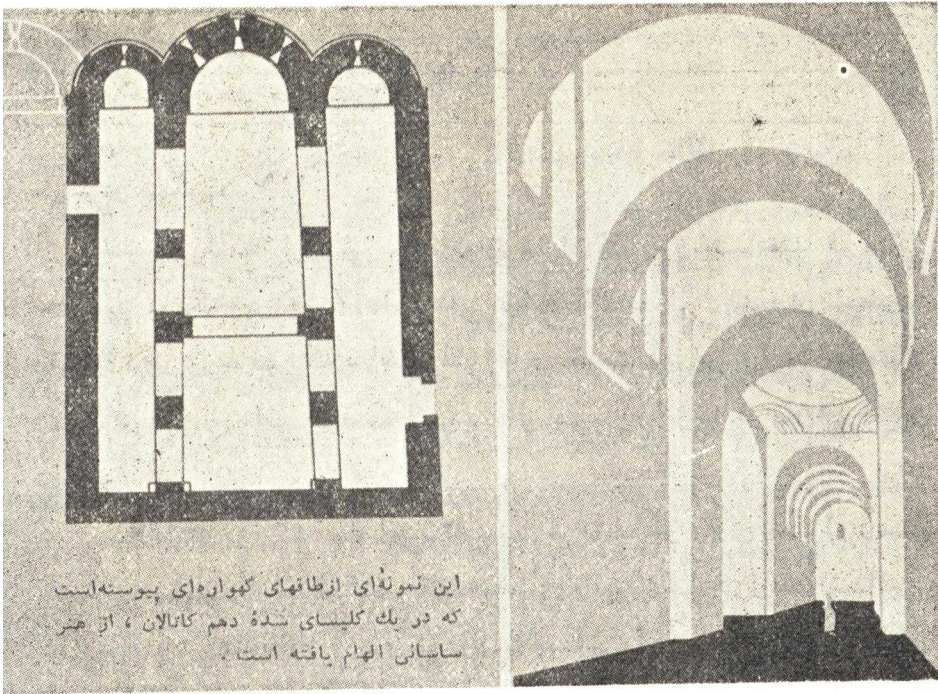
۱۲۱- یوپ ، شاهکارهای هنر ایران ، ترجمه دکتر خانلری ، تهران

۱۳۲۸ صفحه ۳۴ و تمدن ساسانی صفحه ۱۶ .

۱۲۲- رنه گروسه ، تمدن ایرانی ، ترجمه دکتر عیسی بهنام تهران ۱۳۲۸

صفحه ۱۵۴ .

۱۲۳- تمدن ساسانی ، صفحه ۱۵ .



این نمونه‌ای از طاقهای گهواره‌ای پیوسته است که در يك كليساى سده دهم کانالان ، از هنر ساسانی الهام یافته است .

ب - سنت ماری دایمر (سده ۱۰ میلادی)

الف - ایوان کرخه (سده ۴ میلادی)



ج - سن مارتن دوکینگو (سده ۱۱ میلادی)

شکل ۱-

عکس از : رمان گیرشمن ، هنرایران در دوران پارتی و ساسانی ترجمه دکتر بهرام فره‌وشی . تهران ۱۳۵۰ صفحه ۲۸۸ شکل‌های ۳۷۰-۳۶۹-۳۶۸



شکل ۲- سورنتو - اسب بالدار در قَب دایره‌وار (سده‌های ۱۱ و ۱۰ میلادی) موزه سورنتو .
 در اینجا بخوبی مشاهده می‌گردد که نقوش روی لوحه‌های مرمرکلیسای گپنه اسقف‌نشین
 شهر سورنت شبیه بافته‌ها و ظروف سیهین ساسانی است .

عکس از : رمان گیرشمن ، هنرایران در دوران پارتی و ساسانی ، ترجمه دکتر بهرام فره‌وشی . تهران
 ۱۳۵۰ صفحه ۳۰۳ شکل ۴۰۰



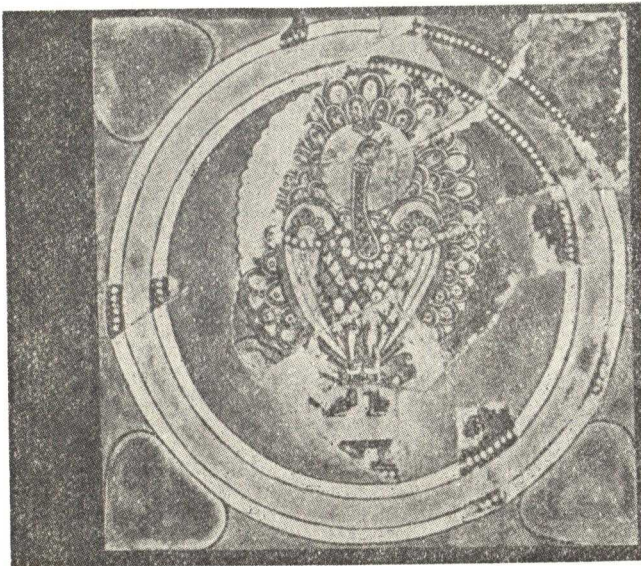
شکل ۳- الف - لوحه قبطی : شاهی که برتخت نشسته است (سده ۷ میلادی) بالتیهور .
 جلوس شاه برتخت شاهی را يك هنرمند عاج ساز قبطی از هنر ساسانی تقلید کرده است .
 عکس از : رمان گیرشمن . هنر ایران در دوران پارسی و ساسانی ترجمه دکتر بهرام فره‌وشی .
 تهران ۱۳۵۰ صفحه ۳۰۴ - شکل ۴۰۲ و شکل ۴۰۱ (در صفحه بعد همین مقاله چاپ شده است) .



شکل ۳- ب - جام خسرو یکم (سده ۶ میلادی) - کتابخانه ملی پاریس



الف - ونیز - طاووسی که
چتر گسترده است (حدود
۹۷۶ میلادی) - سن داریک .

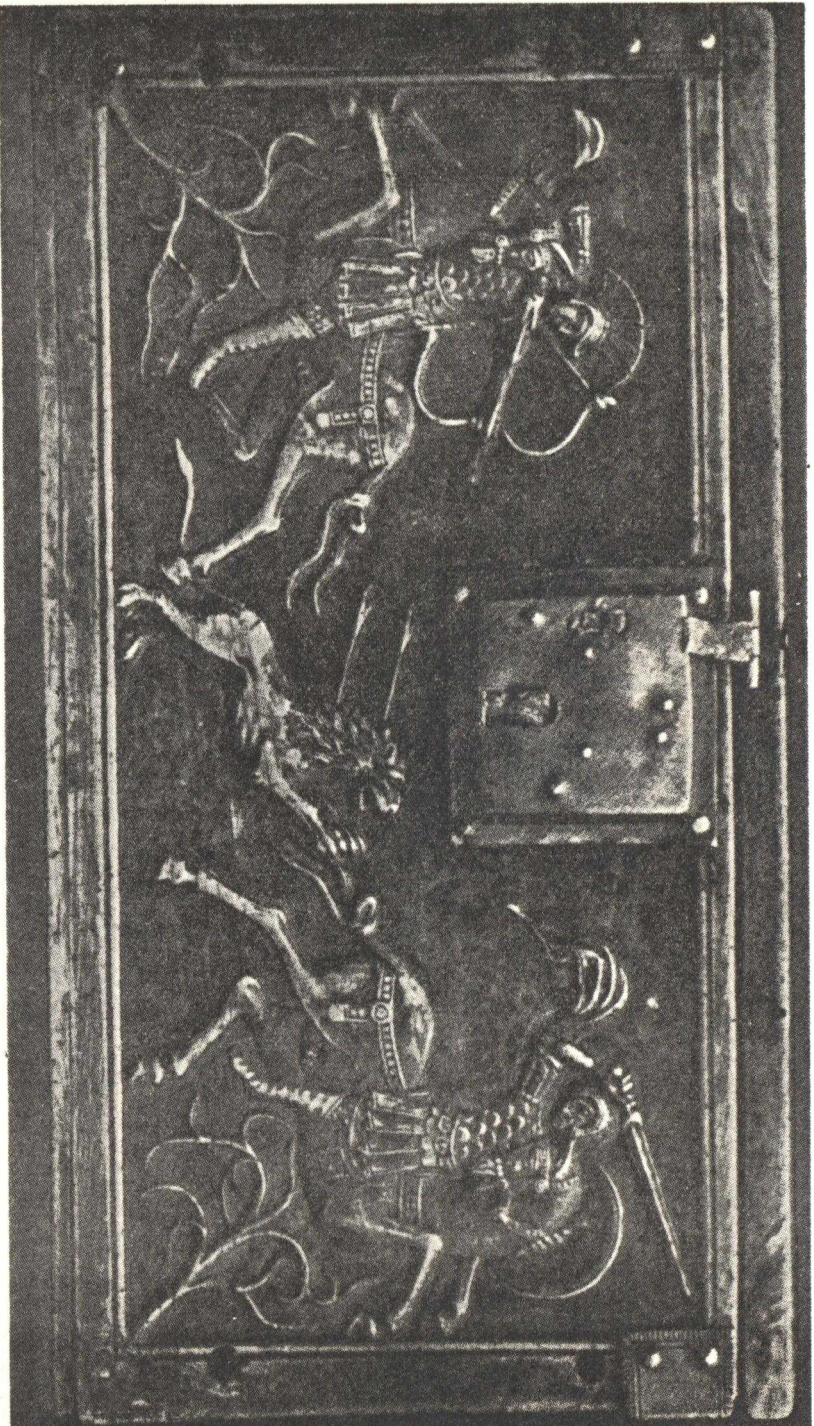


ب - استانبول - طاووس
(سده‌های ۱۱-۱۰ میلادی) -
لوور .

شکل ۴ - تصویر طاووس در بافته‌های ساسانی با تزئینات مخصوص پرنده‌گان فراوان دیده میشود که مورد اقتباس هنرمندان اروپا واقع گشته است .

طاووس که در اصل از «شگفتیهای» فردوس ایران برخاسته است رومیان آنرا با بهره‌گی آسمانی برابر دانسته و مسیحیان آنرا نشانه رستاخیز مسیح دانسته‌اند . این نقش در سنگ تراشی و نقاشی‌های بیزانسی فراوان مورد استفاده واقع شده است .

عکس از : رمان گیرشمن ، هنر ایران در دوران باستانی و ساسانی . ترجمه دکتر بهرام فره‌وشی تهران ۱۳۵۰ صفحه ۳۰۸ شکل‌های ۴۱۰-۴۰۹ .



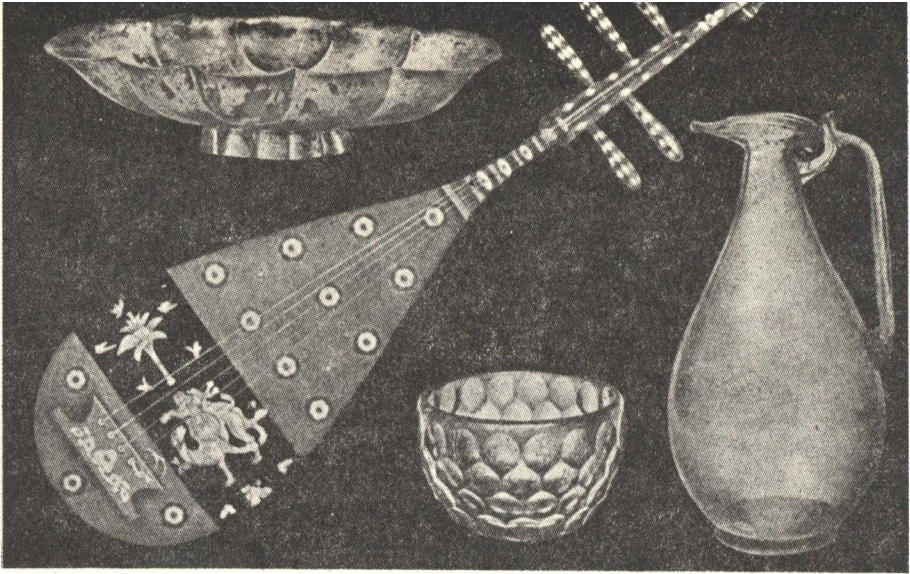
شکل ۵ - تروا - صنوبرچه بینرانیسی ازعاج بزرگ ارغوانی (سده ۱۰ میلادی) - گنجینه کلیسا .
 هنر قرون وسطای اروپا تا حدزیاد ومدتیا زیر نفوذ هنر ساسانی بوده استو غالباً هنرمندان اروپا موضوع نقشهای خود را از بافتههای ساسانی و گاهی عیناً از نقش و صحنههای مجالس بافتههای ایرانی الهام میگرفتند . ودر آثار گوناگون خود منظور میباشستند .
 عکس از : رمان گیرشمن ، هنر ایران در دوران پارسی و ساسانی . ترجمه دکتر بهرام فرودوسی ، تیران ۱۳۵۰ صفحه ۳۱۵ شکل ۴۲۲



شکل ۶ - هنگری - تنگهای
بلغاری کهن (سده ۹ میلادی)
موزه بوداپست .

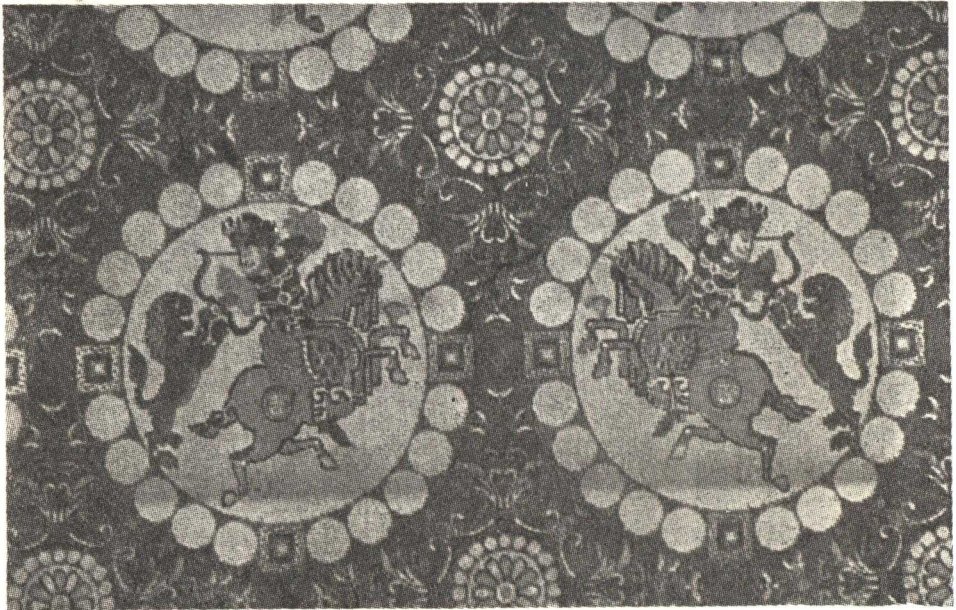
در بین اشیاء مکشوف از
گنجینه ناژیس زنتمیکلوس
در هنگری (سده ۹ میلادی)
تأثیر هنر ساسانی در شکل
تنگهای زرین و نقوش روی
آنها بوضوح دیده میشود .

عکس از : رمان گیرشمن ،
هنر ایران در دوران پارسی
و ساسانی ، ترجمه دکتر
بهرام فره‌وشی . تهران
۱۳۵۰ صفحه ۳۲۸ شکل ۴۲۸ .



شکل ۷ - نارا - هنر ایران و چینی - چندشیتی هنری مربوط به هنر ایران و چین ، که نمودار تأثیر هنر ساسانی در هنرهای زیبا و تجملی چین می باشد (سده ۸ میلادی) ، از گنجینه شاهی شوسوئین (Shôsôin) ، آثار این گنجینه در ۷۵۶ میلادی بوسیله ملکه کومیو (Komyo) به یادگار شوهر مرحومش شومو (Shomu) به بودا و روسانا (Vairoçana) در معبد تودایی جی (Todai—ji) در نارا (Nara) تقدیم گشت .

عکس از : رمان گیرشمن ، هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی ، ترجمه دکتر بهرام فره‌وشی . تهران ۱۳۵۰ صفحه ۳۳۲ شکل ۴۴۳ .

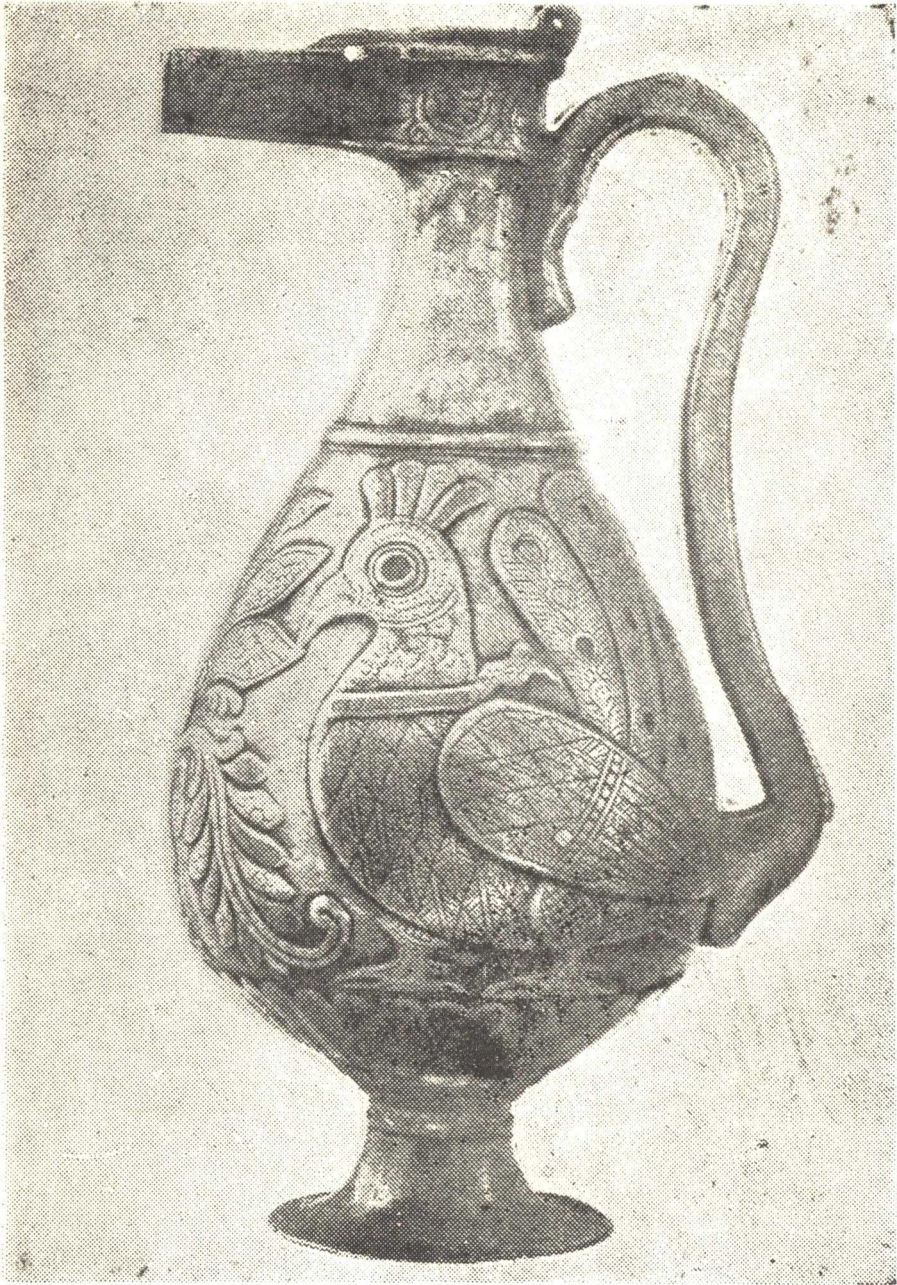


شکل ۸ - نارا - بافته ژاپونی با نقوش ساسانی - گنجینه شاهی شوسوئین (سده ۸ میلادی) . شکل از : رمان گیرشمن ، هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی ، ترجمه دکتر بهرام فره‌وشی . تهران ۱۳۵۰ صفحه ۳۳۳ شکل ۴۴۵ .



شکل ۹ - هنرچینی با اقتباس از طرح و نقش ساسانی : تنگ (سده‌های ۷-۶ میلادی) - مجموعه خصوصی .

شکل از : رمان گیرشمن ، هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی ، ترجمه دکتر بهرام فره‌وشی . تهران ۱۳۵۰ صفحه ۲۳۶ شکل ۴۴۸ .



شکل ۱۰- تنگ برنجی اواخر دوره ساسانی و یونانی - موزه ارمیتاژ لنینگراد .
شکل از : سعید نفیسی ، تاریخ تمدن ساسانی ، جلد دوم تهران ۱۳۳۱ صفحه ۳۱۲ شکل ۴۰۴ .



شکل ۱۱ - جام نقره صنایع هند و باختری - بریتیش موزیوم لندن از : سعید نفیسی ، تاریخ تمدن ساسانی ، جلد دوم تهران ۱۳۳۱ صفحه ۲۷۰ شکل ۴۷۱ .



نقشه ایران زمان ساسانیان ، از کتاب اطلس تاریخی ایران ، تهران ۱۳۵۰ . از انتشارات دانشگاه تهران . نقشه شماره ۸